

پژوهشهای حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۶

هزار و سیصد و نود و سه - نیمسال دوم

- ۵ • استفاده از سیر اتساعی به مثابه جنایت جنگی
صایون جیبس - سالحه رشامی
- ۲۱ • تحلیلی بر تفسیر شورای نگهبان از قوانین آزمایشی در سه لایحه «تشکیلات و آیین دادرسی دیوان
عدالت اداری»، «امور گمرکی» و «تجارت»
وحید آگاه
- ۵۷ • قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی و شرایط آن در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با نگاهی به لایحه
اصلاح قانون تجارت
مهدی سکتور - سیدعلی حسینی
- ۷۱ • انحصار در کاموس قوانین و بررسی ضمانت اجرای آن در حقوق ایران
حیدر پیری - مهدی منظر - اعظم مؤمنی تویجاری
- ۱۰۵ • چالش‌های کشورها و تأثیر آن بر اموال و دیون کشور سابق در حقوق بین الملل
علیرضا باقری لیانه
- ۱۲۹ • حقوق بین الملل و امنیت انسانی در هزاره سوم
آرمین طلعت
- ۱۵۹ • جایگاه عامل زمان در تفسیر معاهده بین المللی
مژگان ولستینیا
- ۱۹۷ • وضعیت نظام حاکمیت شرکتی در حقوق ایران و ضرورت بازنگری لایحه قانون تجارت جدید
اسین چغری





http://jlr.sdil.ac.ir/article_32582.html

حقوق بین‌الملل و امنیت انسانی در هزاره سوم

آرمین طلعت*

چکیده:

امنیت ملی (دولت) همگام با پیدایش دولت‌ها به مفهوم حاکمیت‌های مستقل به‌منصه ظهور رسید. امنیت ملی دولت را به‌عنوان تنها موضوع امنیت در نظر می‌گرفت و دغدغه اصلی آن مصون نگه‌داشتن دولت از تهدیدهای نظامی خارجی بود. عدم توجه کافی به تهدیدهایی که افراد بشری را مورد هدف قرار می‌دادند، موجب شد که واژه امنیت انسانی وارد ادبیات حقوقی جهان شود. این واژه اول بار در کمیسیون مستقل مسائل امنیتی خلع سلاح (کمیسیون پالمه) تجلی یافت. برنامه توسعه ملل متحد نیز بعد از یک دهه به بررسی ابعاد مفهومی و حقوقی آن پرداخت و اظهار داشت که فرد انسانی باید در بطن امور قرار بگیرد. همچنین برنامه توسعه ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۴ خود به دو جزء مهم امنیت انسانی اشاره کرد: رهایی از ترس و رهایی از نیاز. دغدغه امنیت انسانی شناسایی و برطرف کردن عواملی است که حقوق افراد را در هر نقطه‌ای از جهان مورد تهدید قرار می‌دهد. هدف مشترک بین امنیت انسانی و حقوق بشر موجب شائبه‌ای شده است که برخی صاحب‌نظران این دو مفهوم را یکی بپندارند. با وجود این باید اشاره نمود که حوزه‌هایی که تحت مطالعه امنیت انسانی قرار می‌گیرند، گسترده‌تر از حقوق بشر است. در سال‌های اخیر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای توسعه و ارتقای امنیت انسانی کوشیده‌اند، از جمله این تلاش‌ها می‌توان به اقدامات سازمان ملل متحد و ارگان‌های تخصصی آن اشاره کرد.

کلید واژه‌ها:

امنیت ملی، امنیت انسانی، برنامه توسعه ملل متحد، حقوق بشر.

مقدمه

داشتن امنیت خاطر در زندگی روزمره، نیازی همسنگ سایر نیازهای اساسی انسان است و شاید بتوان گفت که یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری است. هرگاه که انسان احساس خطر می‌کند نیاز به امنیت در او بیدار می‌شود. منتسکیو^۱ فیلسوف بزرگ قرن ۱۸ در کتاب پرآوازه خود روح القوانین نیاز به صلح را اولین قانون طبیعت معرفی کرده است. او با تبیین اینکه ترس از درگیری و جنگ، انسان را به سوی صلح سوق می‌دهد، نیاز به صلح را حتی ارجح‌تر از نیاز به غذا و خوراک می‌داندست.^۲ بنابراین صلح، امنیت انسان را از خطر جنگ تضمین می‌کند و هر چقدر صلح پایدارتر باشد؛ امنیت پایدارتر خواهد بود.

همیشه هدف فلسفه سیاسی لیبرالیسم، تأکید بر محوریت انسان بوده که مردم و فرد را در کانون توجه قرار می‌داد و شرایط ضروری همچون آزادی و برابری را برای ایمنی مردم توصیه می‌کرد. همچنین در گرایش لیبرالیسم در عرصه روابط بین‌الملل تأکید بر دیدگاه‌ها و پنداره‌های هنجاری گسترده‌ای چون پذیرش و اتخاذ حقوق بشر جهانشمول بوده است. این سنت دیرینه فلسفی و سیاسی انسان مدار اخیراً عنوان «امنیت انسانی»^۳ را پیدا کرده است.^۴ مفهوم امنیت انسانی که امروز در ادبیات دانشگاهی استفاده می‌شود حاصل و برآمده از نزدیکی و جمع میان ایده‌ها در دو زمینه مطالعات امنیتی و توسعه بین‌المللی است و هر دو گرایش خواستار توجه به سیاست‌های اتخاذی بر افراد انسانی بوده‌اند. مباحثی که درباره امنیت در گرفت، چهارچوب‌های مفهومی جدیدی را ایجاد نمود و در عین حال «توسعه انسانی» هم پارادایمی بر محوریت فرد برای ارزیابی سیاست‌ها مطرح کرد.^۵ با این حال مفهوم امنیت انسانی که در سال‌های اخیر شناخته شده، مفهومی بسیار جدید است و هنوز در بسیاری از محافل به خوبی شناخته نشده است.

مبحث یکم - از امنیت ملی تا امنیت انسانی

حاکمیت دولت، یکی از قدیمی‌ترین مفاهیم حقوق بین‌الملل نوین است و همچنین اصل برابری حاکمیت دولت‌ها هم یکی از بنیادی‌ترین اصول منشور ملل متحد است.^۶ این اصل،

1. Montesquieu

2. Charles Montesquieu, *the Spirit of Laws*, Trans: Thomas Nugent, Canada, Batoche Books, 2001, 21.

3. Human security

۴. پائولین کر، «امنیت انسانی»، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، فصلنامه مطالعات راهبردی ۳ (۱۳۸۷)، ۶۰۲.

۵. باربارا فن تیگرشتروم، امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، مترجم، اردشیر امیرارجمند (تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۹) ۹-۱۰.

۶. اولین اصل از اصول منشور ملل متحد که در بند ۱ ماده ۲ گنجانده شده است، اصل برابری حاکمیت کلیه اعضای سازمان است.

محور اصلی کل پیکره استانداردهای حقوق بین‌المللی است و تمام روابط بین‌المللی بر آن استوارند. این مفهوم «مفهوم حاکمیت» با مفهوم سنتی امنیت ارتباط بسیار نزدیک دارند. همان طوری که اشاره شد امنیت ملی از دولت به عنوان نهادی مستقل در مقابل تهدیدهای خارجی محافظت می‌کند. ارزشی که امنیت ملی در پی آن می‌کوشد عبارت است از حاکمیت دولت که شامل سرزمین و خودفرمانی سیاسی می‌گردد. بنابراین، حمایت از حاکمیت دولت در حقوق بین‌الملل نتیجه حمایت از امنیت ملی می‌باشد.^۱

گفتار یکم - امنیت ملی «امنیت دولت»^۲

«اصطلاح «امنیت ملی» به پیدایش دولت‌های ملی بازمی‌گردد که با از میان رفتن حکومت‌های ملوک‌الطوایفی، رشد سرمایه‌داری، تشکیل حکومت‌های مردمی در اروپا و سقوط امپراتوری‌های بزرگ شکل گرفتند. امنیت ملی از ترکیب دو واژه «امنیت» و «ملی» مفهوم جدیدی است که به طور عمده بر تهدیدهای نظامی علیه دولت‌ها استوار است.^۳ هنگامی که از امنیت بحث می‌شود خودبه‌خود شروع این بحث‌ها با مفهوم سنتی امنیت گره می‌خورد و مقصود همان دیدگاه رئالیستی در رابطه با مفهوم امنیت ملی است. از آنجا که دیدگاه رئالیسم برای مدت‌های مدیدی نظریه مسلط در عرصه روابط بین‌الملل بوده، جایگاهی سنتی و فراگیر یافته است و سایر نظریه‌ها حول محور و مرکزیت آن شکل گرفته‌اند. پس این نظریه، اثری فراگیر در مطالعات امنیتی و مفهوم امنیت ملی و بین‌المللی ایجاد کرده است. اگرچه در درون، طرفداران این نظریه اختلافاتی وجود دارد با این حال همگام با دیدگاه‌هایی است که سیاست قدرت را بین دولت‌ها، ویژگی اصلی روابط بین‌الملل می‌داند. در دیدگاه رئالیسم دولت‌ها، همواره باید آماده جنگ باشند و برای بقای خویش باید تا حد امکان قدرت خود را افزایش دهند. بنابراین در این دیدگاه منافع ملی، یعنی قدرت استراتژیک و به طور خاص قدرت نظامی، مفهوم امنیتی که از این دیدگاه ناشی می‌شود دولت را به عنوان تنها موضوع امنیت در نظر می‌گیرد و دغدغه اصلی آن مصون نگه داشتن دولت از تهدیدهای نظامی خارجی است. دیدگاه رئالیسم هم بر تهدیدهای نظامی و هم بر قدرت نظامی به عنوان ابزاری برای حمایت از دولت در برابر این تهدیدها تأکید می‌کند.^۴ بعد از پایان جنگ جهانی دوم و کاهش بُعد نظامی امنیت ملی، محققان مطالعات استراتژیک و امنیت ملی کوشیدند که با وسعت دادن به مفهوم امنیت ملی ابعاد جدیدی برای آن قائل

۱. همان، ۸۷-۸۸.

2. National Security

۳. عباس جعفری دولت‌آبادی، «از امنیت ملی تا امنیت انسانی»، حقوق ۴ (۱۳۸۹)، ۳۷.

۴. تیگرشتروم، پیشین، ۱۱-۱۲.

شوند. از جمله این محققان باری بوزان^۱ نظریه پرداز مشهور مکتب مطالعاتی کپنهاگ بود. او پارادایمی مطرح کرد که هم جایی برای امنیت اجتماعی و هم امنیت زیست محیطی گشوده شد. در این میان توجه به امنیت زیست محیطی حایز اهمیت بیشتری بود، البته مسأله نسبت محیط زیست و توسعه و مفهوم توسعه پایدار، نکته‌ای بود که از چند دهه قبل هم به آن توجه شده بود، اما پس از جنگ و مبحث جهانی شدن و به تبع آن آگاهی از اینکه فقط یک سیاره بیشتر برای حیات بشری وجود ندارد، دیدگاه‌های فراوانی در این خصوص طرح و نسبت محیط زیست و توسعه پایدار و همین‌طور ارتباط بین محیط زیست و امنیت مورد توجه قرار گرفت.^۲

در طول جنگ سرد، امنیت ملی به معنی عدم تهدیدهای نظامی نسبت به دولت یا توانایی دولت در رد این چنین تهدیدها و کاربرد نیروی نظامی علیه تهدیدها امنیتی دیده شد. با این حال توسعه بین‌المللی نشان داد که حتی قوای نظامی عظیم همیشه کافی نیست. شاهد بر این ادعا زمانی دیده شد که ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۵ مجبور شد که کشور ویتنام را ترک کند. عزیمت نیروهای امریکایی نشانگر این واقعیت بود که نیروی نظامی قدرتمند و تجهیزات و سلاح‌های پیشرفته در مقابل سربازهای کشاورز و فقیر کشوری کوچک مؤثر واقع نشد. حتی قوی‌ترین سلاح‌ها به‌طور مثال سلاح‌های هسته‌ای به دلیل اثرات غیرقابل تحمل نمی‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.^۳

گفتار دوم - طرح مفهوم امنیت انسانی

مفهوم امنیت انسانی اولین بار در گزارش کمیسیون مستقل مسائل امنیتی خلع سلاح (کمیسیون پالمه)^۴ ظهور پیدا کرد که در سال ۱۹۸۲ ارائه گردید. بعد از حدود یک دهه برنامه توسعه ملل متحد در گزارش خود ایده‌های ملحوظ در این گزارش را مورد توجه قرار داد. برنامه توسعه ملل متحد در گزارش خود در سال ۱۹۹۳ تأکید کرد که فرد انسانی باید در بین و بطن امور بین‌المللی قرار بگیرد. در گزارش UNDP در سال ۱۹۹۴ تلاش شد تا مفهوم امنیت انسانی را گسترش و آن را به حوزه‌های مختلف تعمیم دهد. از این‌رو با انتقاد از استفاده انحصاری این واژه در امور نظامی، به هفت مؤلفه اشاره شد که از مفهوم آن استنباط می‌شد: امنیت اقتصادی که از آن به رهایی از فقر تعبیر می‌شود، امنیت غذایی که به مفهوم دسترسی

1. Barry Buzan

۲. محمدعلی قاسمی، «نسبت امنیت انسانی و توسعه پایدار»، فصلنامه مطالعات راهبردی ۳ (۱۳۸۷)، ۵۲۸.

3. Bert Edstrom, *Japan And The Challenge Of Human Security*, "The Founding of a New Policy 1995-2003, Singapore, Institute for Security and Development Policy, 2008, 12.

4. Palme commission

به غذاست، امنیت بهداشتی که حوزه دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و حمایت از بیماران را شامل می‌شود، امنیت زیست‌محیطی که دربرگیرنده حفاظت از محیط زیست و حمایت از آن در برابر آلودگی‌هاست، امنیت شخصی که حمایت فیزیکی در برابر شکنجه، جنگ و حملات جنایی است، امنیت اجتماعی که در جهت ابقای فرهنگ‌های سنتی می‌کوشد و در نهایت امنیت سیاسی که آزادی و رهایی از سرکوب سیاسی را شامل می‌شود.^۱

گزارش UNDP در سال ۱۹۹۴ فصلی را به امنیت انسانی اختصاص داد. این گزارش مدعی آن بود که بعد از جنگ سرد ما نیاز داریم که مفهوم امنیت انسانی را بسط و گسترش دهیم، زیرا که به نظر تدوین‌کنندگان این گزارش باید بر نگرانی‌های زندگی روزمره افراد و نه بر تهدیدهای تمرکز کنیم که مربوط به حوادث عظیم جهانی هستند. در این گزارش برای مفهوم امنیت انسانی چهار خصیصه اصلی برشمرده‌اند:

۱. امنیت انسانی دغدغه‌ای است جهانی که به هر شخص در هر جایی مربوط است.
۲. عناصر آن چنان به هم پیوسته‌اند که تهدید به آن در یک قسمت از جهان سایر قسمت‌های عالم را نیز متأثر می‌سازد.
۳. پیشگیری قبلی از تهدید امنیت انسانی از مداخله بعدی برای برقرار ساختن آن آسان‌تر است.

۴. امنیت انسانی فرد محور است. در این گزارش پیشنهاد شد که مفهوم امنیت انسانی در نشست اجتماعی سران کشورها (کنفرانس جهانی ۱۹۹۵ در مورد توسعه اجتماعی) مورد استفاده قرار گیرد و این مفهوم به عنوان مبنای بحث‌های آن نشست در نظر گرفته شود و یک منشور اجتماعی جهانی در آن نشست بر این اساس تدوین گیرد؛ اما متأسفانه مفهوم امنیت انسانی در آن نشست مورد توجه جدی قرار نگرفت، ولی مفاهیمی که به آن مشابه بودند مانند نیاز به توجه به افراد، نیاز به کاستن ناامنی‌ها و رابطه میان صلح و توسعه، در اعلامیه نشست گنجانده شدند.^۲

گفتار سوم - امنیت انسانی و ملی؛ تقابل یا همزیستی؟

با توجه به دیدگاه سنتی راجع به امنیت و دیدگاه‌های طرفداران این دیدگاه که معمولاً رئالیسم و نئورئالیسم بودند؛ این ایده به ذهن خطور می‌کند که در دیدگاه سنتی امنیت اصلاً برای انسان به عنوان تابعی که حق دارد موضوع حمایت قرار بگیرد، حقوقی قائل نبوده‌اند و آزادی‌ها و نیازهای انسان نیز در جهت امنیت ملی سرکوب می‌شده است. همچنین با

۱. کریستیان تاموشات، حقوق بشر، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی (تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۱)، ۱۴۹-۱۵۰.

۲. تیگرشتروم، پیشین، ۲۲-۲۳.

توجه به مفهوم امنیت انسانی و مؤلفه‌های آن ممکن است برداشت شود که امنیت انسانی مرزهای داخلی را درنوردیده و حاکمیت و امنیت دولت‌ها را زیر پا نهاده است. با اندکی تأمل در خصوص مفاهیم امنیت ملی و امنیت انسانی نمی‌توان به‌طور کلی اظهار داشت که در این دو مفهوم در رد و در تقابل با هم شکل گرفته‌اند، بلکه ضرورت همزیستی این دو، واقعیتی انکارناپذیر است. با وجود اینکه امنیت دولت «ملی» بر تهدیدهای مستقیم علیه دولت تمرکز می‌کند که عمدتاً به شکل حملات نظامی بود، امنیت انسانی توجه خود را بر حیطه گسترده‌ای از تهدیدها معطوف می‌کند که اشخاص و جوامع با آن روبه‌رویند و آن بر دلایل بنیادین ناامنی و مشکلات پیچیده فراگیر و دائمی تمرکز می‌کند. همین‌طور امنیت انسانی دست‌های وسیع از بازیگران را درگیر خود می‌کند به‌طور مثال؛ گروه‌های محلی، سازمان‌های بین‌المللی، جوامع مدنی و همچنین خود دولت. با این حال امنیت انسانی تلاش نمی‌کند که جانشین امنیت دولت شود. در عوض ارتباط بین آنها مکمل یکدیگرند، امنیت انسانی و امنیت دولت به شکل دوجانبه مقوم هم هستند و وجود یکی به دیگری وابسته است. بدون امنیت انسانی، امنیت ملی نمی‌تواند فراهم شود و برعکس.^۱

گفتار چهارم - مفهوم امنیت انسانی

به دلیل حوزه گسترده‌ای که امنیت انسانی آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد، شاید باید مفهوم امنیت انسانی را یکی از چالش برانگیزترین قسمت‌های پژوهش در خصوص این مفهوم قلمداد نمود. ارائه چهارچوبی مفهومی برای امنیت انسانی مستلزم مطالعات فراوان است، کاری که سازمان ملل متحد از طریق ارگان‌هایش سال‌هاست که انجام آن را متقبل شده است.

بند یکم - تعریف امنیت انسانی از نگاه برنامه توسعه ملل متحد (UNDP)

«دربارۀ پیوستی و محتوای ایده امنیت انسانی مباحث فراوانی درگرفته و حتی در نامگذاری آن به عنوان تئوری یا مفهوم، نقطه عزیمت تحلیل، جهان‌بینی، دستور کار سیاسی و یا چهارچوب سیاستگذاری اختلاف نظر وجود دارد. اگر در باب پیوستی «مفهوم» امنیت انسانی اختلاف وجود داشته باشد، بی‌شک دربارۀ تعریف آن هم اختلافات فراوانی وجود خواهد داشت، اما همه تعاریف موجود کمابیش بر گذار از برداشت دولت‌مدارانه از امنیت تأکید می‌کنند. شاید تعریف برنامه توسعه ملل متحد که در عین حال از نخستین تعاریف امنیت انسانی به‌شمار می‌آید، بتواند نقطه آغاز خوبی برای بررسی باشد. در این تعریف گفته می‌شود

1. United Nations Trust Fund for Human Security, Human Security Hand Book, "Human Security in Theory and Practice", 2009, 9. «http://hdr.undp.org/en/media/HS_Handbook.2009_pdf». Accessed (15/08/2013).

امنیت انسانی دو وجه دارد. وجه اول ایمنی در برابر تهدیدهای مزمنی چون گرسنگی، بیماری و سرکوب و وجه دوم محفوظ بودن در برابر آشوب‌ها و آشفتگی‌های ناگهانی و مخاطره‌آمیز در الگوهای زندگی روزمره، در خانه، محل کار یا جامعه است.^۱

برنامه توسعه ملل متحد^۲ در گزارش خود در سال ۱۹۹۴ بیان داشت که مفهوم امنیت انسانی بر احتیاجات مردم و ضرورت حمایت از آنها تأکید دارد و تمام مردم باید فرصت داشته باشند تا بتوانند احتیاجات روزمره خویش را به دست آورند. در این گزارش به دو جزء مهم امنیت انسانی اشاره شده است: آزادی از ترس و آزادی از نیاز.^۳ گفته می‌شود که ظهور این حقوق شناخته شده، از زمان تشکیل سازمان ملل متحد وجود داشته است؛ ولی بعداً مفهوم دومی (امنیت از نیاز) بر مفهوم اولی (امنیت از ترس) چیره شد. در این گزارش همچنین اشاره شده که در سطح جهانی، امنیت انسانی دیگر به معنای محافظت در برابر تهدید هولوکاست هسته‌ای نیست؛ بلکه آن به معنی، واکنش به تهدید فقر جهانی است که مرزهای بین‌المللی را می‌پیماید، بیماری ایدز، تغییرات آب‌وهوایی، مهاجرت غیرقانونی و تروریسم. اگرچه کشتار دسته جمعی از طریق سلاح‌های هسته‌ای به شکل اغراق‌آمیزی مورد تصور بوده، ولی تهدید فقر جهانی زندگی تمام انسان‌ها را همواره و همیشه به شکل واقعی تحت تأثیر قرار می‌دهد.^۴ متأسفانه در این گزارش تعریفی از امنیت انسانی نشده و فقط به اجزا و مؤلفه‌های آن اشاره شده است و همچنین گزارش حاوی آمارهایی از کشورها در رابطه با عواملی اند که امنیت انسانی را تهدید می‌کنند (بخصوص آمارهایی از کشورهای توسعه نیافته و فقیر مانند کشورهای آفریقایی، افغانستان و ...).

بند دوم - تعریف کمیسیون امنیت انسانی ۲۰۰۳^۵ از امنیت انسانی
 کمیسیون امنیت انسانی در سال ۲۰۰۳ در گزارش خود با عنوان امنیت انسانی اکنون، امنیت انسانی را به این صورت تعریف کرد:

۱. قاسمی، پیشین، ۵۲۹-۵۳۰.

۲. UNDP یا برنامه ملل متحد برای توسعه، با قطعنامه ۲۰۲۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۵ ایجاد شد. در واقع حاصل ادغام «صندوق ویژه» و «برنامه وسیع کمک‌های فنی» بود و هدف آن ایجاد یک نظام اجتماعی و اقتصادی عادلانه‌تر و منطقی‌تر از طریق کمک به ارتقای همکاری بین‌المللی و نیز کمک به کشورهای در حال توسعه در تلاش آنها برای دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق اعطای کمک‌های مالی و فنی سازمان یافته و دائمی است. (ابراهیم بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی (تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۱)، ۴۵۴-۴۵۵.

3. Freedom from fear and freedom from want.

4. United Nations Development Programme, **Human Development Report 1994**, Oxford, Oxford University Press, 1994, p. 24.

۵. کمیسیون امنیت انسانی در پاسخ به درخواست دبیرکل سازمان ملل متحد در نشست سران در سال ۲۰۰۰ برای نایل آمدن بر دو هدف «آزادی از ترس» و «آزادی از نیاز» در ژانویه ۲۰۰۱ تأسیس شد و کارش را در ژوئن ۲۰۰۱ آغاز کرد.

«حمایت از هسته حیاتی^۱ تمام انسان‌ها به شکلی که آزادی‌ها و شکوفایی‌های انسان را ارتقا دهد. امنیت انسانی به معنی حمایت از آزادی‌های اساسی است، آزادی‌هایی که اساس زندگی مردم‌اند و به معنی حمایت از مردم در برابر تهدیدها و وضعیت‌های وخیم و بحرانی و گسترده است. به معنی استفاده از فرایندی که بر نقاط قوت و آرمان‌های مردم ساخته می‌شود. به معنی ایجاد نظام‌های سیاسی، اجتماعی، محیط زیستی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی که با همدیگر، سهم بزرگی از بقا، امرار معاش و کرامت را به مردم می‌دهند»^۲.

با توجه به مفهوم امنیت انسانی و تعاریفی که از آن شده است، دیگر نمی‌توان اذعان کرد که امنیت انسانی فقط شامل حمایت از اشخاص در برابر مخصومات مسلحانه و وضعیت‌های خشونت‌بار است. امروزه امنیت انسانی نه فقط حمایت از اشخاص در برابر خشونت‌ها و مخصومات را در برمی‌گیرد؛ بلکه شامل مفاهیمی همچون حمایت از اشخاص در برابر نیاز، فقر، بیماری‌های مسری، خشکسالی، آلودگی‌های زیستی، تغییرات آب‌وهوایی، نبود استانداردهای زندگی، نقض حقوق بشر، مهاجرت غیرقانونی و پدیده‌هایی همچون تروریسم و تجارت غیرقانونی سلاح‌ها و مین‌های ضدنفر و از جمله این موضوع‌هاست که همگی عوامل اصلی تهدیدکننده امنیت انسانی‌اند و هدف آن حمایت از اشخاص است و بر آن تأکید می‌ورزد و شامل هر چیزی می‌شود که موجب توانمندی و قدرت اشخاص مانند حقوق بشر، حقوق اقتصادی و اجتماعی، دستیابی به آموزش و بهداشت، موقعیت‌های برابر و حکمرانی مطلوب^۳ و غیره، می‌شود.^۴

مبحث دوم - امنیت انسانی و رویکرد دولت‌ها «عملکردها و چشم‌اندازها»

گزارش توسعه انسانی، دو جنبه مهم از امنیت انسانی را توصیف کرد: رهایی از نیاز و رهایی از ترس. بعد از گزارش برنامه توسعه ملل متحد، بعضی از دولت‌ها با مفهوم موسع امنیت انسانی بشدت مخالف بودند. سردمدار این کشورها کانادا بود، دولت کانادا اعلام کرد

۱. در گزارش کمیسیون اشاره شده که منظور از هسته اساسی زندگی (Vital Core of life) مجموعه‌ای از حقوق ابتدایی و آزادی‌هایی است که مردم از آن بهره‌مند هستند. همچنین در گزارش آمده موضوعی که به عنوان هسته اساسی و بنیادین زندگی انسان در نظر گرفته می‌شود از فردی به فرد دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق می‌کند.

3. Commission on Human Security, *Human security now*, New York, 2003, 4.

«<http://www.resdal.org/ultimos-documentos/com-seg-hum.pdf>». accessed(5/7/2013).

۳. «Good Governance» یا دکترین حکمرانی مطلوب در سال ۱۹۸۹ از طرف بانک جهانی ارائه شد و بر اساس آن بانک جهانی اظهار داشت که حکمرانی مطلوب از رهگذر سیاستگذاری قابل پیش‌بینی، آشکار و روشنگرانه به منصفانه ظهور می‌رسد. به زبان ساده‌تر یعنی دیوانسالاری مبتنی بر اصول حرفه‌ای، مسؤول و پاسخگو بودن نیروهای حکومتی در قبال اعمال خود، جامعه مدنی نیرومندی که در امور شرکت می‌کند؛ همه باید تحت حکومت قانون صورت گیرد.

4. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, *Human Security Approaches and Challenges*, Paris, STEDI MEDIA, 2008, 3.

که این مفهوم از امنیت انسانی را نمی‌پذیرد و گزارش UNDP را مورد انتقاد قرار داد و بیان داشت: «این تعریف بیش از حد وسیع و مبهم است و آن قدر بر تهدیدهای ناشی از توسعه نیافتگی اصرار می‌ورزد که از تهدیدهای ناشی از مخاصمات خشونت‌بار که هنوز هم وجود دارد، غفلت ورزیده است و مشکل است که بتوان آن را در سیاستگذاری مورد استفاده قرار داد. در نقطه مقابل گروهی از کشورها بشدت از تعریف موسع امنیت انسانی دفاع کردند سردمدار این کشورها ژاپن بود. ژاپن تلاش‌هایی را که برای تضییق مفهوم و دستور کار امنیت انسانی انجام شده بود، مورد انتقاد قرار داد و مدعی شد که اهمیت آزادی از نیاز کمتر از آزادی و رهایی از ترس نیست». سپس در ادامه اظهار داشت: «از آنجایی که هدف امنیت انسانی، تضمین بقا و کرامت افراد انسانی می‌باشد، باید از ایده حمایت از افراد انسانی در مقابل تهدیدهای مخاصمات پا فراتر بگذاریم. بنابراین ژاپن، امنیت انسانی را به حمایت از زندگی، عرصه زندگی و کرامت افراد انسانی تعریف می‌کند».^۱ در این مبحث علاوه بر ژاپن و کانادا رویکرد کشورهای اروپایی نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گفتار یکم - ژاپن و کانادا

تعریف امنیت انسانی به‌عنوان رهایی از نیاز در گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه ملل متحد در سال ۱۹۹۴ انعکاس یافت و تقریباً امنیت انسانی را مترادف توسعه انسانی ساخت. بر این اساس دولت ژاپن در زمان تأسیس صندوق تنخواه برای امنیت انسانی ملل متحد^۲ در سال ۱۹۹۹ از آن حمایت کرد. بعد از اجلاس هزاره ملل متحد^۳ در سال ۲۰۰۰ دولت ژاپن کمیسیون امنیت انسانی را بنیان نهاد که با همکاری کمیسیاری عالی پیشین ملل متحد برای پناهندگان «سادو کو اوگاتا»^۴ و برنده جایزه اقتصاد نوبل «آمارتیا سن»^۵ اداره می‌شد.^۶ همان طوری که پیشتر گفته شد گزارش کمیسیون امنیت انسانی که دولت ژاپن طرفدار سرسخت آن بود، تفسیر نسبتاً موسعی از امنیت انسانی ارائه کرد. در این تعریف علاوه بر تهدیدهای نظامی بر تهدیدهای زیست‌محیطی، فرهنگی، اقتصادی و غیره نیز تأکید شد. با این وجود گزارش کمیسیون امنیت انسانی درست پیش از حملات ۱۱ سپتامبر ارائه شد

۱. نیگرو شتروم، پیشین، ۳۹-۴۰.

2. United Nations Trust Fund for Human Security.

3. United Nations 'Millennium Summit.

4. Sadako Ogata

5. Amartya Sen

6. Eric Remacle, "Approaches to Human Security: Japan, Canada and Europe In Comparative Perspective", *Journal of Social Science*, No 66, September 2008, P. 7, 8.

Accessed (2013/08/18) <http://dev.ulb.ac.be/sciencespo/dossiers_membres/remacle-eric/fichiers/remacle-eric-publication75.pdf>.

و به طور قابل توجهی اثرات آن، توسط تغییر سریع امنیت زیست‌محیطی کاهش یافت. مشاهده افزایش قدرت نظامی چین، برنامه‌های هسته‌ای جاه‌طلبانه کره شمالی و جنگ ایالات متحده با تروریست‌ها باعث شد که ژاپن سیاست امنیتی و خارجی خود را دوباره ارزیابی و بازبینی کند و اتحاد خود را با ایالات متحده نیرومندتر کند. دولت ژاپن به‌طور فعال در عملیات نیروهای امریکایی با تروریست‌ها شرکت کرد و در بین سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶ گروه‌هایی غیرجنگی به عراق اعزام کرد.^۱

با این وجود، خط‌مشی ژاپن نسبت به امنیت انسانی که با کمیسیون امنیت انسانی توسعه داده شده بود، بعد از حملات ۱۱ سپتامبر و جنگ عراق رها نشد؛ بلکه به‌طور قابل توجهی تلاش‌های این دولت از طریق پذیرش امنیت انسانی توسط دبیرکل و بعضی از ارگان‌های ملل متحد بعد از اجلاس هزاره به شکل چندجانبه‌ای دنبال شد. توصیه‌های کمیسیون امنیت انسانی در سال ۲۰۰۳ به ترویج آن بین ارگان‌های ملل متحد، بخصوص دفتر هماهنگی امور بشردوستانه OCHA، از طریق ایجاد یک هیأت مدیره مشورتی در خصوص امنیت انسانی ABHS منجر شد که برای مشاوره به دبیرکل ملل متحد در اداره صندوق تنخواه برای امنیت انسانی ملل متحد طراحی شده بود. دیپلمات‌های ژاپنی که اعضای پیشین کمیسیون امنیت انسانی بودند و سایر ارگان‌های ملل متحد نقش مهمی در هیأت مدیره امنیت انسانی بازی می‌کردند. اگرچه دستور کار سیاست ملی خارجی ژاپن بعد از ۱۱ سپتامبر و جنگ عراق نسبتاً به سوی تهدیدهای نظامی گرایش پیدا کرد، تا حدی موفقیت چندجانبه‌گرایی باعث شد که مفهوم موسع امنیت انسانی دولت ژاپن به حیات خود ادامه دهد. هر دو دستور کار امنیت انسانی ژاپن (رهایی از ترس و رهایی از نیاز) مکمل یکدیگر قرار گرفتند و حتی توانستند که سیاست خارجی ژاپن و ائتلاف بین‌المللی این کشور را با سایر کشورها افزایش دهند.^۲

دولت کانادا معمولاً به عنوان دومین قدرت متوسط شناخته می‌شود که از امنیت انسانی به عنوان جزء کلیدی امنیت ملی خود از دهه ۱۹۹۰ استفاده می‌کرد. وزیر امور خارجه کانادا لویید آکسوورسی^۳ به جای خط‌مشی موسع ژاپن «رهایی از نیاز» یک دستور کار مضیق «رهایی از ترس» را پیشنهاد داد که عملی و بسیار قابل انطباق با شرایط سیاسی و سنتی کانادایی‌ها بود. موضوع‌های مهم آن، شامل استقرار صلح، ممنوعیت مین‌های ضدنفر، کاهش نقل و انتقال سلاح‌های سبک و تجهیزات مخاصمات، وضعیت کودکان با توجه به سوءاستفاده جنسی، کار کودک و حمایت از آنها در مقابل خشونت، ارتقای عدالت کیفری بین‌المللی و بعد از آن خط‌مشی شناخته شده برای کمک به توسعه به‌علاوه ارتقای قواعد

1. Ibid, 8.

2. Ibid, 8-9.

3. Lloyd Axworthy

بنیادین تجاری برای تحریک توسعه اقتصادی می‌شد.^۱ استراتژی کانادا بر دو نوع راهکار استوار بود؛ از یک طرف، قرارداد سیاست ابتکاری در موضوع‌های خاص در مجامع چندجانبه و از طرف دیگر ایجاد ائتلاف با سایر کشورها و جامعه مدنی مانند دانشگاه بود. از جمله موفقیت‌های این تلاش‌ها تأسیس شبکه امنیت انسانی^۲ توسط ۱۳ کشور براساس ابتکار دولت کانادا و نروژ در سال ۱۹۹۹ و گزارش منتشر شده امنیت انسانی در سال ۲۰۰۵ از طرف مؤسسه لیو^۳ در دانشگاه بریتیش کلمبیا بود. خواست کانادا در رابطه با امنیت انسانی، برای بروز کردن منافع امنیتی سنتی کانادایی‌ها با الهام از نیاز به حفظ نمایه بین‌المللی خود در قبال ایالات متحده آمریکا و پاسخی به تکامل تعادل داخلی ناتو بعد از تأسیس سیاست نظامی جدید اروپا بود.^۴

همان‌طور که دیدیم، امنیت انسانی به کانادا و ژاپن به‌عنوان دو عضو گروه جی ۸^۵ کمک کرده است تا نمایه بین‌المللی خودشان را به‌عنوان متحدان ایالات متحده بدون تضعیف این اتحاد با زمینه‌ای از ظرفیت محدود بین‌المللی و تغییرات سریع آن تقویت کنند. این انگیزه‌های بسیار شبیه به هم، نشان دهنده این واقعیت است که به‌رغم تفاوت‌های بین گرایش‌های این دو به ترتیب «رهایی از نیاز برای ژاپن و رهایی از ترس برای کانادا» در شکل دادن به مفهوم امنیت انسانی به نسبت سهم خود در دستور کار امنیت جدید همگرا و مشترک عمل کرده‌اند. آنها قبل از اجلاس هزاره، قادر شدند که یک پلتفرم مشترک برای لابیگری دیگر کشورهای عضو سازمان ملل متحد ایجاد کنند. همچنین کانادا و ژاپن دستورالعملی برای همکاری صلح و امنیت، با حمایت کوفی عنان به تصویب رساندند. کسی که در سخنانش به رهایی از ترس و رهایی از نیاز اشاره کرد.^۶

گفتار دوم - اروپا

اصول نظری راجع به امنیت انسانی برای منافع اروپاییان در خارج از مرزهای آنها، بر مشترکات انسانی بنا نهاده شده است. بر طبق این اصول ادعا می‌شود که انسان‌ها حق

1. Ibid, 9.

2. Human Security Network

3. Liu.

4. Ibid, 9.

۵. «این گروه بیانگر بیش از چهار دهه همکاری فیما بین کشورهای صنعتی و توسعه یافته جهان در قلمروهای اقتصادی و سیاسی و امنیتی است. منشأ پیدایش این گروه به اجلاس رامبویه (فرانسه) در نوامبر ۱۹۷۵ برمی‌گردد.» این گروه متشکل از هشت کشور بزرگ صنعتی است. این کشورها عبارت‌اند از: ایتالیا، ژاپن، انگلستان، آمریکا، روسیه، آلمان، کانادا، فرانسه. البته اتحادیه اروپا نیز در گردهمایی‌های این گروه شرکت می‌کند «بیگ‌زاده، پیشین، ۹۰۹».

6. Canada-Japan Action Agenda for Peace and Security.

7. Eric Remacle, Op.cit, p.12.

زندگی کردن با کرامت و امنیت و همچنین یک تعهد پیوسته برای کمک به یکدیگر را دارند، هنگامی که امنیت انسانی به خطر می‌افتد. این نظریه از این عقیده دفاع می‌کند که زندگی تمام انسان‌ها با هم برابر است و نباید پذیرفت که زندگی افراد را در موقعیت و شرایط سخت و وخیم ناچیز بشماریم. این اصول به‌طور مشخص برای اروپاییان نیست، بلکه برعکس، به دلیل ماهیت‌شان، جهانی‌اند. اگرچه دولت‌های اروپایی به دلایل بشردوستانه در خارج از مرزهای خود در کزوو، تیمورشرقی و سیرالئون دخالت کرده‌اند، اما این دخالت بشردوستانه به دلیل حمایت‌ها و فشار افکار عمومی از سوی شهروندان اروپایی بوده است. به علاوه، ماورای عملیات دولت‌ها تعداد بی‌شماری از اروپاییان داوطلبانه به یوگسلاوی برای کمک به آرامش جنگ داخلی، به گواتمالا برای کمک به پناهندگان یا به فلسطین اشغالی برای نظارت بر خشونت‌ها علیه حقوق بشر رفته بودند.^۱

اگر امنیت انسانی به‌عنوان یک طبقه‌بندی مضییق حمایت از حقوق بشر همان طوری که در بالا اشاره شد، در نظر گرفته شود؛ پس، سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا، نه تنها حق دارند، بلکه تعهدات حقوقی نیز به امنیت انسانی دارند. ماده ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد به دولت‌ها توصیه می‌نماید که در جهت احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر بکوشند و برای نیل به این اهداف متعهد شوند و به‌صورت اقدامات فردی و جمعی با سازمان ملل متحد همکاری کنند.^۲ در پیش‌نویس جدید قانون اساسی اتحادیه اروپا به‌صراحت همانند این تعهد به رسمیت شناخته شده است. ماده ۴ این پیش‌نویس اشعار می‌دارد: «در ارتباطش با دنیای گسترده، اتحادیه باید ارزش‌ها و منافع خود را ارتقا و مورد حمایت قرار دهد و باید به صلح، امنیت، توسعه پایدار جهان، احترام یک‌جانبه و دوجانبه میان مردم، تجارت آزاد و منصفانه، از بین بردن فقر و حمایت از حقوق بشر و بخصوص حقوق کودکان، همچنین رعایت و توسعه مطلق حقوق بین‌الملل شامل احترام به اصول منشور ملل متحد کمک کند». اتحادیه اروپا، همچنین تعهدات مربوط به امنیت انسانی را در خارج از مرزهای خود به رسمیت شناخته است، با این وجود اتحادیه، چهارچوب حقوقی برای بحث درباره ماهیت این تعهدات ندارد.^۳

اعتقاد بر این است که هم توجیهات نظری و هم حقوقی سیاست امنیتی اروپاییان که براساس امنیت انسانی بنیان نهاده شده است، متقاعدکننده به نظر می‌رسد و حقیقت این است که امنیت انسانی بین شهروندان اروپایی محبوبیت یافته است. همچنین احتمال دارد

1. Marlies Glasius and Mary Kaldor, *A Human Security Doctrine for Europe "Project, Principle, Practicalities"*, London and New York, Routledge, 2005, 8.

۲. این تعهد همچنین در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اعلامیه وین ۱۹۹۳ گنجانده شده است.

3. Ibid, 8-9.

که «منافع شخصی روشنفکرانه»^۱ اتحادیه اروپا را به برگزیدن سیاست امنیت انسانی وادار کند. رهیافت امنیت انسانی نشانگر این واقعیت است که اروپاییان نمی‌توانند در امنیت باشند، در حالی که سایر نقاط جهان در ناامنی بسر ببرند.^۲

همچنین بعضی صاحب‌نظران معتقدند که «تهدید»هایی که اروپاییان در خصوص امنیت انسانی با آن مواجه هستند، اکثراً ریشه در سایر نقاطی از جهان است که در ناامنی شدید بسر می‌برند. در دولت‌های ناتوان^۳ و مناطق پُرتخاصم، اقتصاد جنایی نه فقط گسترش، بلکه صادر نیز می‌شود؛ تجارت دارو، قاچاق انسان و راحتی قابل دسترسی بودن سلاح‌های سبک و حتی خشونت اجتماعی عواملی‌اند که تنها مناطق مورد مخاصمه را آلوده نمی‌کنند، بلکه ماورای این مناطق از جمله اروپا را آلوده خود می‌کنند.^۴

یکپارچگی و تجانس فرهنگی، دمکراسی، وجود بیشترین تعداد سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، نظارت بر رعایت حقوق بشر بر دولت‌های عضو اتحادیه، سیاست مشترک خارجی و توسعه همکاری در قلمروهای عدالت و امور داخلی از یک‌طرف و همچنین مشاهده عملکرد اتحادیه در قالب دخالت بشردوستانه در سایر مناطقی غیر از اروپا، کمک‌های مداوم اتحادیه به نیازهای اساسی انسان‌ها در نواحی از دنیا که امنیت انسانی در خطر است و همچنین استفاده از ابزارهایی مانند دیپلماسی فعال، میانجی‌گری و حتی تحریم در قبال دولت‌هایی که حقوق بشر را نادیده می‌گیرند از طرف دیگر، نشانگر این واقعیت است که اتحادیه اروپا هم، طرفدار مفهوم موسع امنیت انسانی باشد و علاوه بر پذیرش مفهوم رهایی از ترس، رهایی از نیاز را نیز در سر لوحه سیاست داخلی و خارجی خود قرار داده است.

وقتی از خط‌مشی دولت‌ها راجع به امنیت انسانی بحث می‌شود ممکن است این پرسش به ذهن خطور کند که کدام کشورها طرفدار مفهوم موسع و کدام کشورها طرفدار مفهوم مضیق امنیت انسانی‌اند؟ به نظر می‌رسد که جواب دادن به این پرسش بسیار دشوار باشد. زیرا واقعاً بررسی کردن سیاست همه دولت‌های جهان کاری بسیار دشوار و طاقت‌فرساست. می‌توان گفت مفهوم رهایی از ترس با تشکیل دولت‌ها به معنای حاکمیت و استقلال‌یابی وجود داشته است، زیرا بخشی از این مفهوم شامل امنیت ملی دولت هم می‌شود و دولت‌ها همواره برای دفاع از امنیت ملی و حاکمیت‌شان آماده دفاع از خود بودند؛ اما بحث بر سر مفهوم ترس از نیاز است که دغدغه امروزی جامعه جهانی است. با این وجود در دنیا امروزی

۱. منافع شخصی روشنفکرانه ترجمه واژه انگلیسی «Enlightened Selfinterest» یک اصطلاح فلسفی است به این معنی که کسی که پیشبرد و منفعت شخص دیگری را خواستار است در نهایت خود او هم از این عمل سود خواهد برد.

2. Ibid, 9.

3. Failing States

4. Ibid, 10.

شاید نتوان دولتی را پیدا کرد که دغدغه امنیت انسانی را در بُعد رهایی از نیاز نداشته باشد، البته شدت و ضعف دارد. مثلاً دولتی مثل ژاپن طرفدار سرسخت مفهوم رهایی از نیاز است؛ ولی حتی دولت کانادا که مورد بحث قرار گرفت نمی‌توان گفت که حامی مفهوم ترس از نیاز نیست و دلیل این ادعا تأسیس شبکه امنیت انسانی است که به ابتکار این کشور بوده است. همچنین همان طوری که پیشتر گفته شد امنیت انسانی دغدغه‌ای است جهانی که تهدید و به خطر افتادن آن در یک نقطه از جهان می‌تواند سایر نقاط جهان را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که دیگر امروزه تقریباً اکثر کشورهای جهان توجه ویژه‌ای به امنیت انسانی دارند.

مبحث سوم - حقوق بشر و امنیت انسانی

بین حقوق بشر و امنیت انسانی رابطه نزدیکی وجود دارد، اما این رابطه کامل نیست. تمرکز نهایی حقوق بشر و امنیت انسانی بر افراد است. هر دو مفهوم، افراد بشری را در مرکز مطالعات خود قرار داده‌اند. حقوق بشر همیشه نگران امنیت اشخاص بوده است. در این رابطه می‌توان به اسناد حقوق بشری رجوع کرد. به طور مثال ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ به شکل صریح به امنیت اشخاص اشاره کرده است.^۲ نزدیکی حوزه مطالعاتی بین حقوق بشر و امنیت انسانی موجب شده که بسیاری بر این اعتقاد باشند که امنیت انسانی همان حقوق بشر است؛ اما در قالبی دیگر. در این مبحث با بر شمردن تفاوت‌ها و شباهت‌ها این دو مفهوم در پی بررسی این ادعا خواهیم بود.

گفتار یکم - امنیت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

تحقیقات نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل بشر از سه نوع «امنیت» حمایت می‌کند: امنیت شخصی (Personal security)،^۳ امنیت اجتماعی^۴ (Social security) و موردی

۱. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر فردی حق زندگی آزادی و امنیت شخصی دارد.»

۲. Gerd Oberleitner, *Human Security and Human Rights*, European Training and Research Center for Human Rights and Democracy, 2002, 14-15.
 «http://mercury.ethz.ch/serviceengine/Files/ISN/31301/ipublicationdocument_singledocument1616/b60f-3fb8-4cc7-8adc0-e32d79b6e71/en.08/pdf». accessed (8/7/2013).

۳. تقریباً در همه اسناد حقوق بشری، حق آزادی و امنیت مورد حمایت واقع شده است. این حق به طور کلی شامل عدم بازداشت خودسرانه، سلب آزادی صرفاً به موجب قانون، حق مطلع شدن از علل بازداشت، حق کنترل قضایی بازداشت و جبران خسارت به دلیل بازداشت یا دستگیری غیرقانونی می‌شود. «بهمین آقای، فرهنگ حقوق بشر (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶)، ۵۹.»

۴. امنیت اجتماعی که از آن به عنوان حق تأمین اجتماعی و رفاه نیز یاد می‌شود، به شکلی جامع در مواد ۲۲ و ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر تبلور یافته است. از فحواي این مواد می‌توان گفت که امنیت اجتماعی شامل این موارد است: تمتع و استیفا از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق برخورداری از سلامتی، دستیابی به رفاه که شامل خوراک، پوشاک، مسکن و مراقبت‌های پزشکی می‌شود و همچنین برخورداری از زندگی آبرومند در تمام زمان‌های بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی،

که ما امنیت بین‌المللی (International security)^۱ می‌نامیم. ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، ماده ۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، ماده ۱ اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف اشخاص، ماده ۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به امنیت شخصی اشاره دارد. مفهوم امنیت شخصی را نمی‌توان مرادف امنیت انسانی قلمداد کرد، این دو مفهوم با هم متفاوت‌اند. با این حال، تحلیل بیشتر پرونده‌های قضایی اسناد حقوق بشری ممکن است نشان دهد که بین این دو مفهوم رابطه نزدیکی وجود داشته باشد؛ ولی باید پذیرفت که آنچه به عنوان امنیت شخصی مطرح است، فقط آزادی و بازداشت خودسرانه را تضمین می‌کند و چشم‌انداز وسیع امنیت انسانی بخصوص جنبه امنیت از ترس آن را شامل نمی‌شود.^۲

دومین قسم از امنیت مورد حمایت در اسناد حقوق بشری، امنیت اجتماع است که بدون شک یک حق بشری است. در خصوص توجه به امنیت اجتماعی در اسناد حقوق بشری می‌توان به ماده ۲۲ و ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۹ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۶ اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف اشخاص، ماده ۱۶ پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (پروتکل سان‌سالوادور) اشاره کرد. اگرچه می‌توان پذیرفت که ناامنی اجتماعی قسمت مرکزی و هسته‌ای است که در دستور کار امنیت انسانی قرار دارد. با وجود این نمی‌توان آن را هم‌سنگ امنیت انسانی قرار داد؛^۳ بلکه ناامنی اجتماعی، فقط بخش کوچکی از امنیت انسانی است.

سرانجام سومین قسم از امنیت که مورد توجه حقوق بین‌الملل بشر قرار می‌گیرد، امنیت بین‌المللی است. ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۳ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، به امنیت بین‌المللی اشاره دارند. این مثال‌ها نشانگر این واقعیت است که حقوق بشر چگونه مفهوم موسعی از امنیت (امنیت بین‌المللی) بین دولت‌ها و اشخاص تحت صلاحیت‌شان را مورد حمایت قرار می‌دهد. هر چند اجرای عملی این حق جهانشمول از امنیت مورد جدل و بحث است، با این حال، دیده شده که کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم، این حق را اعمال کرده است. وقتی این سه قسم از امنیت به عنوان مثال امنیت شخصی به منظور حمایت از دخالت دولت و در مفهوم وسیع حمایت از ناامنی سایر ارگان‌ها، امنیت اجتماعی به منظور آزادی از نیاز و سرانجام جنبه بین‌المللی امنیت در کنار هم‌اند.

پیری و تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد.

۱. ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر از امنیت بین‌المللی سخن رانده است. در این ماده، حق برقراری نظم از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی برای هر شخص به منظور تأمین تمام آزادی‌هایی به رسمیت شناخته شده که در اعلامیه به آنها اشاره شده است.

2. Ibid,16.

3. Ibid,17.

شواهد قوی از نزدیکی امنیت انسانی به چشم‌انداز و اصول حقوق بشر در مفهوم رژیم حقوق بین‌المللی بشر ارائه می‌دهد.^۱

گفتار دوم - شباهت‌ها و تفاوت‌های بین حقوق بشر و امنیت انسانی

توجه به واژه «امنیت» در اسناد حقوق بشری می‌تواند موجبی برای این پرسش باشد که آیا امنیت انسانی جزئی از حقوق بشر یا همان حقوق بشر است؟ رژیم حقوق بشر به عنوان یک کل مجموعه‌ای از حقوق مسلم بین‌المللی و آزادی‌ها به معنی مفهومی فعال از حمایت، ارتقا و اجرای حقوق، کرامت، نیازها، امرار معاش، حق حیات، آزادی و امنیت شخصی افراد بشری و ... است؛ ولی با این وجود تمام چشم‌اندازی را که مورد نظر امنیت انسانی است، مورد پوشش قرار نمی‌دهد. حقوق بشر جزء جدانشدنی از حقوق اشخاص در مقابل دولت است. رژیم بین‌المللی حقوق بشر در مفهوم موسّع خود از عرف و معاهده و همچنین اسناد سافتلاو همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر و قسمت اعظم معاهدات سازمان ملل که در توسعه رژیم حقوق بشر پیشگام‌اند و همچنین اسناد منطقه‌ای حمایت‌کننده از حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (شورای حقوق بشر) و رویه رسیدگی خاص آن و رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی تشکیل شده که برای حمایت از حقوق بشر تأسیس شده‌اند. حقوق بشر، علاوه بر اینکه حقوق سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است، شامل حق توسعه نیز می‌شود.^۲ با وجود این، به‌رغم وجود شباهت‌های بسیار بین این دو مفهوم، تفاوت‌هایی نیز باهم دارند.

بند یکم - شباهت‌های بین امنیت انسانی و حقوق بشر

نخستین خصوصیت مهم که بین این هر دو مفهوم مشترک است، در مرکز قرار دادن مردم است نه دولت و هدف هر دوی آنها تضمین امنیت حقوق انسانی است. رویکرد مردم محوری در امنیت انسانی و حقوق بشر محدود به اشخاص نمی‌شود، بلکه اجتماعات و گروه‌ها را هم در نظر می‌گیرد.^۳

دومین خصوصیت مهم بین این دو مفهوم این است که چهارچوب حقوقی هر دوی آنها به هم پیوسته و مرتبط‌اند. امنیت انسانی و حقوق بشر هر دو وابستگی متقابل بین امنیت و حقوق را ارتقا می‌دهند. هر دو مفهوم بر حوزه فضیلت تأکید می‌کنند به این معنی که وجود یک حق

1. Ibid, 17-18.

2. Ibid, 18-19.

3. Shahrbanou Tadjbakhsh and Anuradha M. Chenoy, *Human Security "Concepts and Implications"*, London and New York, Routledge, 2007, 125.

ارتقای حق دیگری را در پی دارد (به طور مثال؛ امنیت اقتصادی برای خانواده‌ها، فرزندان را قادر می‌سازد که در آینده تحصیلات و کار داشته باشند که موجب توانمندی آنها می‌شود).^۱ سومین خصوصیت مشترک امنیت انسانی و حقوق بشر، تمرکز بر آزادی‌ها و کرامت انسانی است. به عبارت دیگر حقوق بشر در واکنش به نقض کرامت انسانی تکامل یافت و همچنین امنیت انسانی، به دلیل تهدید حقوق بشر و استفاده از مفهوم امنیت ملی برای محدود کردن این حقوق ظهور یافت. در این مفهوم حقوق بشر و امنیت انسانی هر دو از کرامت انسانی محافظت می‌کنند و هر دو در تئوری و اصول نظری به ارتقا و حمایت از کرامت انسانی معتقد هستند.^۲

چهارمین خصوصیت مشترک بین این دو مفهوم، تأکید بر جهانی و غیرقابل تقسیم بودن اجزا و مؤلفه‌های این دو مفهوم است. با این حال مؤلفه‌های حقوق و امنیت به صورت جهانی تعریف نشده‌اند. سیاست‌های امنیت انسانی از ارتقای حقوق بشر سرمشق گرفته می‌شوند. به زبان دیگر نقض حقوق بشر تضعیف امنیت انسانی را در پی دارد. تقویت و صلابت حقوق بشر در وضعیت و ارزش‌های اخلاقی و اصول نظری آن نهفته است. امنیت انسانی، با تعریف تهدیدها و وظایف به تعیین حقوقی کمک می‌کند که در معرض خطرند و همچنین ماهیتی توصیفی از ملاحظات امنیتی در زندگی انسانی ارائه می‌دهد. حقوق بشر هم وظایف و تکالیفی ایجاد می‌کند که لازم و ملزوم یکدیگرند و سپس تأثیر تعهدات مشخص را ارائه می‌دهد.^۳

سرانجام مهم‌ترین خصوصیت مشترک بین حقوق بشر و امنیت انسانی، غیرقابل انکارپذیری شباهت محتوای این دو مفهوم است؛ اگرچه که ممکن است در عبارت‌پردازی اختلاف ناچیزی داشته باشند. ارتباط بسیار قدرتمندی بین «رهایی از ترس» و اولین نسل حقوق بشر «حقوق مدنی و سیاسی» وجود دارد. دومین نسل حقوق بشر «حقوق اقتصادی و اجتماعی» مفهوم «رهایی از نیاز» را ایجاد کرد که توسط دولت‌های سوسیالیست پیشین حمایت شده بود و در جنبش‌های مردمی امروزه ظاهر شده است و نسل سوم حقوق بشر «خواست‌های فرهنگی و جمعی» که مشابه حق‌های توسعه، سلامتی و محیط زیست است. بررسی مقایسه‌ای متن گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۴ درباره امنیت انسانی با اسناد بین‌المللی حقوق بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاقین ۱۹۶۶) نشانگر این واقعیت است که بسیاری از مباحث این دو با هم مشترک‌اند و در بسیاری از حوزه‌ها، همدیگر را پوشش می‌دهند.^۴

1. Ibid, pp. 125,126.

2. Ibid, p. 126.

3. Ibid, p. 126.

4. Ibid, p. 126.

بند دوم - تفاوت‌های بین امنیت انسانی و حقوق بشر

با وجود اینکه استدلال می‌شود که چهارچوب‌های حقوقی امنیت انسانی و حقوق بشر بسیار به هم نزدیک‌اند، با این حال این دو مفهوم با هم تفاوت‌هایی نیز دارند. اگرچه حقوق بشر به وسیله پاره‌ای از قواعد هنجاری حقوقی و کنوانسیون‌های بین‌المللی شکل گرفته است، این امکان برای امنیت انسانی وجود ندارد. همچنین حقوق بشر بیش از یک قرن تجربه دارد، در حالی که مفهوم امنیت انسانی و مسائل پیرامون آن در حقوق بین‌المللی به دهه اخیر بازمی‌گردد. موضوع امنیت انسانی درباره امنیت حقوق بشر نیست و تلاش می‌کند که منابع بالقوه این تهدیدها و نهادها و مؤسسات و همچنین توافقنامه‌های دولتی را برای دفع این تهدیدها تشخیص دهد. دولت‌ها که تحت سپری به اسم حاکمیت در عرصه بین‌المللی حمایت می‌شدند و همچنین گاهی تحت این لوا حقوق بشر را نقض می‌کردند، امنیت انسانی برای این چنین نقض‌هایی مسؤولیت حمایت را برای شهروندان و دولت‌ها پیشنهاد می‌کند؛ جایی که حقوق بشر مورد نقض قرار می‌گیرد. حقوق بشر ابزار مقایسه‌ای نیست. اگرچه امنیت انسانی برای قصور مقایسه‌ای خود مورد انتقاد قرار گرفته است، ولی قدرت، شرح و توضیح و همچنین حمایت از حقوق بشر را دارد. امنیت انسانی چهارچوبی حقوقی برای تحلیل ارتباط متقابل بین تهدیدها و ضعف‌ها ارائه می‌دهد. مهم‌تر از آن، امنیت انسانی از جانب حقوق بشر زمینه‌هایی را بررسی می‌کند. این زمینه‌ها عبارت‌ند از: مشخص کردن تهدیدها و تشخیص ناامنی‌های برآمده از فقدان آزادی‌های حقوق بشر به شکل برجسته.^۱

در خصوص ارتباط بین حقوق بشر و امنیت انسانی می‌توان نتیجه گرفت که حقوق بشر جزئی از امنیت انسانی به شمار می‌رود؛ زیرا بسیاری از مباحثی که در قلمرو امنیت انسانی‌اند، در حوزه حقوق بشر قرار نمی‌گیرند. به طور مثال مباحثی مانند تغییرات آب‌وهوایی، خشکسالی، فجایع طبیعی و مانند آن در حوزه امنیت انسانی مورد مطالعه قرار می‌گیرند، حال آنکه این چنین موضوع‌هایی در حوزه حقوق بشر جای نمی‌گیرند. یا به زبان دیگر دایره شمول و فراگیری مباحثی که امنیت انسانی آنها را دغدغه خود نسبت به افراد بشری قرار می‌دهد، بسیار گسترده‌تر از موضوع‌هایی است که دغدغه و نگرانی حقوق بشر است.

مبحث چهارم - اقدامات ملی، منطقه‌ای، زیرمنطقه‌ای و بین‌المللی برای ارتقای

امنیت انسانی

صرف پرداختن به مفهوم انسانی و خطرهایی که جامعه انسانی را تهدید می‌کند برای حمایت از انسان‌ها کافی نیست. همه دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای، زیرمنطقه‌ای و

1. Ibid, 127.

بین‌المللی چه تنهایی و چه در قالب جامعه جهانی باید خطرهایی را که ابنای بشری را تهدید می‌کنند شناسایی و برای رفع آنها تلاش نمایند.

گفتار اول - اقدامات ملی

در طول دو دهه گذشته، دولت‌ها تلاش‌های قابل توجه و درخوری برای واردکردن مفهوم امنیت انسانی در سیاست داخل و خارجی خود انجام داده‌اند. به علاوه تلاش‌های مربوط به امنیت انسانی همانند تلاش‌های اعضای دوستان امنیت انسانی^۱ و شبکه امنیت انسانی، در راستای منافع کشورهای همچون مغولستان، اکوادور و تایلند بوده است.^۲

در سال ۲۰۰۰ امنیت انسانی برای دولت مغولستان اولویتی شد که اینک این طرح با عنوان «حکمرانی مطلوب برای امنیت انسانی» اجرا می‌شود. به علاوه، به عنوان میزبان پنجمین کنفرانس بین‌المللی برای دموکراسی جدید یا ترمیم شده،^۳ دولت مغولستان تعهدهای خود برای بنیاد نهادن اصول اساسی امنیت انسانی در سیاست داخلی خود تقویت کرد و همچنین اعلامیه اولانباتور^۴ را برای دموکراسی، حکمرانی مطلوب و جامعه مدنی را به تصویب رساند.^۵

در سال ۲۰۰۸، دولت اکوادور برای هموارکردن راه برای عکس‌العمل بیشتر مراکز مردمی به کشورهای که به سبب تهدیدها، امنیت انسانی در آن کشورها بیشتر بحرانی و فوری است، امنیت انسانی را در قانون اساسی خود وارد کرد و مورد پذیرش قرار داد. دولت اکوادور با تمرکز بر خط میان صلح و توسعه، قصد دارد تا صلحی پایدار بر اساس توسعه، عدالت اجتماعی، برابری و کرامت انسانی ایجاد کند.^۶ یکی دیگر از کشورهای مشارکت‌کننده برای رشد و ارتقای امنیت انسانی، دولت تایلند است. تایلند نخستین کشوری است که یک وزارت را به امنیت انسانی اختصاص داده است. وزارت توسعه اجتماعی و امنیت انسانی در بین فعالیت‌های بسیار خود، برای ارتقای «رهایی از نیاز» و «آزادی برای زندگی با کرامت» از چشم‌اندازی مردم‌نهاد و استفاده فعالانه و ارتقا و تقویت همکاری‌های چندجانبه و چندبخشی بین سازمان‌های ملی می‌کوشد که به امنیت انسانی اختصاص داده شده‌اند.^۷

۱. «دوستان امنیت انسانی» انجمنی مستقر در نیویورک امریکاست که هدفش فراهم کردن انجمنی غیررسمی برای اعضای سازمان ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط برای بحث در رابطه با امنیت انسانی و مفهوم آن از زوایای متفاوت است.

2. United Nations, General assembly, *Human Security: Report of the Secretary-General*, A/64/701, (8 March 2010), Par. 54. Available at «<https://docs.unocha.org>»

3. The Fifth International Conference of New or Restored Democracies in 2003.

۴. اولانباتور «Ulaanbaator» بزرگ‌ترین شهر مغولستان و همچنین پایتخت آن کشور است.

5. Ibid, Par. 55.

6. Ibid, Par. 56.

7. Ibid, Par. 57.

گفتار دوم - اقدامات منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای در ارتقای امنیت انسانی

سازمان‌های بین‌دولتی منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای نقش بسیار مهمی در رابطه با تشخیص ناامنی‌های عمومی، بسیج شدن برای حمایت از امنیت انسانی و دفع ناامنی‌ها و ارتقای عملیات دسته‌جمعی برای مقابله با این ناامنی‌ها بازی می‌کنند. به‌رغم آگاهی از اختلافات و تفاوت‌های جزئی سیاسی و حساسیت و تفاوت‌های فرهنگی که در سطح منطقه‌ای وجود دارد، این سازمان‌ها در جهت تضمین و حمایت از امنیت انسانی با همدیگر، همکاری مصمم و قاطع‌اند.^۱

در آفریقا، اهمیت امنیت انسانی و ارتباط بین صلح، امنیت و توسعه در دستور کار و تصمیمات اتحادیه آفریقا منعکس شده است. همچنین توجه به امنیت انسانی و صلح و امنیت در پیمان عدم تجاوز و دفاع مشترک، قانون اساسی اتحادیه آفریقا و بیانیه تعهد برای صلح و امنیت در آفریقا گنجانده شده است. در سطح زیرمنطقه‌ای جامعه اقتصادی دولت‌های غرب آفریقای (ECOWAS)^۲ اصول امنیت انسانی را در تلاش‌های خود برای حفظ و ارتقای صلح و امنیت به کار برده است. به این منظور در سال ۲۰۰۸ این جامعه، چهارچوب حقوقی برای جلوگیری از مخاصمات، با هدف تقویت امنیت انسانی در سطح زیرمنطقه‌ای و حصول اطمینان از به موقع و هدفمند بودن واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های چندجانبه به تهدیدها علیه امنیت انسانی را به تصویب رساند.^۳

در سال ۱۹۹۷، در پی واکنش به بحران مالی آسیا، اعضای انجمن ملل جنوب شرق آسیا (ASEAN)^۴ بیانیه‌ای مشترک به نام «چشم‌انداز آسیا ۲۰۲۰» صادر کردند. این بیانیه منطقه‌ای را پیش‌بینی می‌کرد که در آنجا کرامت انسانی و دستیابی مساوی و برابر به فرصت‌ها برای توسعه جامع و فراگیر انسانی را محترم می‌شمرد. از آن زمان به بعد، امنیت انسانی به زمینه‌ای اضافی بین اعضای آن‌سه. آن دست یافته است. همچنین امنیت انسانی در اعلامیه مشترک وزیران دفاع آن‌سه. آن در سال ۲۰۰۹ منعکس شده است که بر اهمیت تهدیدهای غیرسننتی برای امنیت انسانی و نقش آن‌سه. آن در ارتقای واکنشی یکپارچه به چنین چالش‌هایی تأکید می‌کرد. سازمان همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (APEC)،^۵ نیز

1. Ibid, Par. 58.

2. Economic Community of West African States.

3. Ibid, Par. 59.

۴. منشأ پیدایش آن‌سه. آن به اجلاس بانکوک در ۸ اوت ۱۹۶۷ بازمی‌گردد. در این اجلاس، اعلامیه‌ای صادر و مقرر شد که سازمان جدیدی جایگزین «انجمن جنوب شرقی آسیا» شود. این اعلامیه از سوی کشورهای مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و اندونزی امضا شد. بعدها کشورهای برونی در سال ۱۹۸۴، ویتنام در سال ۱۹۹۵ و کامبوج در سال ۱۹۹۹ به این سازمان رسماً پیوستند. هدف این سازمان توسعه اقتصادی، پیشرفت‌های اجتماعی و توسعه فرهنگی در بین اعضا براساس اعتقاد به برابری و همکاری است. «بیگزاده، پیشین، ۷۵۶».

۵. آپک یا همان سازمان همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه، با تلاش‌های استرالیا ایجاد شده است، استرالیا در ژانویه سال

اهمیت امنیت انسانی را در رشد و کامیابی پایدار به رسمیت شناخته است. به این منظور در یازدهمین اجلاس سران اقتصادی آپک در سال ۲۰۰۳ در بانکوک تایلند، سران اظهار داشتند که با نیاز به ارتقای امنیت انسانی و با آگاهی از آسیب‌پذیری آن به علت فاجعه‌ها و حوادث طبیعی، تروریسم بین‌المللی، بیماری‌های همه‌گیر و تجارت داروها و موادمخدر که هزینه‌های بسیار زیادی را به اقتصاد تحمیل می‌کنند؛ تهدیدی برای امنیت انسانی اند.^۱ در قاره آمریکا هم اقداماتی به وسیله سازمان‌های این قاره انجام گرفته است از جمله این اقدامات می‌توان به تصویب اعلامیه امنیت در آمریکا از سوی سازمان دولت‌های آمریکایی (OAS)^۲ در سال ۲۰۰۳ اشاره کرد. این اعلامیه تأیید می‌کند که شرایط و وضعیت امنیت انسانی، به احترام به کرامت مردم، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بستگی دارد.^۳

در مفهوم موسع، امنیت انسانی به رویکرد مردم محوری و توانمندسازی امنیتی اشاره دارد (توانمند کردن افراد و جوامع برای اعمال حق امنیت انسانی خود و همکاری در تضمین امنیت انسانی) که به همکاری بین‌المللی و دخالت تحت حمایت «مسئولیت حمایت» مشروعیت می‌بخشد. صاحب‌نظران همچون دبیل و ورسس^۴ استدلال می‌کنند که مردم محوری و توانمندسازی آنها می‌تواند عاملی قدرتمند و مفید برای سیاست خارجی دولت‌ها و محرکی برای چندجانبه‌گرایی ارائه دهد. مثال روشن و بسیار واضح از این مورد در گزارش نماینده عالی کمیته سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا، خاویر سولانا نشان داده شده است. گزارش با عنوان «امنیت اروپا در جهانی بهتر»^۵ توسط شورای اروپا در دسامبر ۲۰۰۳ به تصویب رسید. این گزارش، نشانگر گامی مهم به جلو در تصویب امنیت انسانی به عنوان بخش مرکزی دکترین امنیت اروپا بود، زیرا آن امنیت دولت با اشخاص و جوامع امنیتی را

۱۹۸۹ پیشنهاد تشکیل یک سازمان برای «همکاری اقتصادی و توسعه» با نگرشی آسیایی ارائه نمود. سرانجام در اجلاسی که بین ۵-۷ نوامبر در سال ۱۹۸۹ در کانبرا تشکیل شد، نهادی با عنوان «مجمع همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه» با حضور کشورهای استرالیا، ژاپن، کانادا، زلاندنو، آمریکا، کره جنوبی و اعضای آ.سه. آن تشکیل شد. در حال حاضر آپک دارای ۲۱ عضو است. «همان، ۷۸۱-۷۸۲».

1. United Nations, General assembly, Op. cit, Par. 60.

۲. سازمان دولت‌های آمریکایی یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های منطقه‌ای در جهان است. منشور مؤسس این سازمان به ۳۰ آوریل ۱۹۸۴ در بوگوتا (کلمبیا) بازمی‌گردد که نمایندگان ۲۰ کشور آمریکای لاتین و ایالات متحده آمریکا به امضا رساندند. این منشور در ۳۱ دسامبر ۱۹۵۱ لازم‌الاجرا شد. در کشورهای قاره آمریکا، فقط کشور کوبا از عضویت در این سازمان محروم است، کانادا نیز در سال ۱۹۹۰ به این سازمان پیوست. شماری از کشورهای آسیا و آفریقا و همچنین اتحادیه اروپا در این سازمان عضو ناظر هستند. اهداف این سازمان؛ تقویت امنیت در نیمکره غربی، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات اعضا، ارتقای همکاری فیمابین دولت‌های عضو در قلمروهای اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی است. «یگ‌زاده، پیشین، ۸۰۶ و ۸۰۹».

3. United Nations, General assembly, Op. cit, Par. 61.

4. Debiel and Werthes

5. A Secure Europe in a Better.

به هم وصل می‌کند؛ در حالی که نگاهی به معیارهای سنتی و نظامی و عوامل اجتماعی و اقتصادی دارد. با وجود این تلاش‌ها واقعیت این است که مسائل مهم نظری راجع به مفهوم امنیت انسانی هنوز محل نزاع و بحث است.^۱

گفتار سوم - اقدامات سازمان ملل متحد در ارتقای امنیت انسانی

علاوه بر همکاری دولت‌های عضو سازمان در ارتقای امنیت انسانی، کمیسیون امنیت انسانی وظیفه‌ای بسیار حساس در قبال ارتقای مفهوم امنیت انسانی در نظام ملل متحد دارد. این کمیسیون به منظور ارتقای دو هدف توافق شده در اجلاس هزاره سران در سال ۲۰۰۰ «رهایی از نیاز» و «رهایی از ترس» تأسیس شده است. کمیسیون امنیت انسانی کار خود را با توسعه جهانی آغاز کرد، همچنین کمیسیون متعهد شده است که با دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و جوامع مدنی به شکل گسترده‌ای مشورت کند. گزارش آخر کمیسیون با عنوان «امنیت انسانی اینک» در سال ۲۰۰۳ منتشر شد. این گزارش سندی در ارتقای اجرای مفهوم امنیت انسانی در نظام ملل متحد بود که مهم‌ترین تأثیر آن در کار صندوق تنخواه برای امنیت انسانی ملل متحد بوده است. صندوق تنخواه راهنمایی‌های بودجه خود را براساس یافته‌های گزارش کمیسیون بازبینی کرد و بودجه خود را تحت هیأت مدیره مشاور در امنیت انسانی طرح ریزی کرد و توصیه‌های ابتکاری کمیسیون را در آن منعکس کرد.^۲

دفتر گزارش توسعه انسانی در برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) در بهبود درک مفهوم امنیت انسانی نقش مهمی ایفا می‌کند. از زمان انتشار گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۴ راجع به امنیت انسانی تقریباً ۲۰ گزارش توسعه انسانی ملی در این باره ارائه شده است. این گزارش‌ها نشان می‌داد که چطور امنیت انسانی می‌تواند به صورت متنی یکپارچه درآید و در ارتقای عکس‌العمل و واکنش‌ها به ناامنی‌های ویژه‌ای استفاده شود که هر دولت با آن روبه‌رویند. برای مثال گزارش ملی ۲۰۰۳ دولت لیتوانی بر ناامنی‌های متعدد تجربه شده مردم لیتوانی در طول دوره انتقالی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ارائه سیاست‌های پیشنهاد شده برای ارتقای حالت ارتجاعی و قابلیت‌هایشان، تمرکز می‌کرد. همین‌طور گزارش ملی افغانستان در سال ۲۰۰۴ که تحلیلی جامع از دلایل متعدد از ناامنی‌هایی است که مردم این کشور با آن روبه‌رو بودند و همچنین توصیه‌های سیاسی خاص مورد نیاز برای ساختن کشور را ارائه می‌داد.^۳

1. Fairlie Jensen, "the practice of human security theory a case study of US and EU policy in the Middle east and north Africa", *Human Security Journal*, Issue 2, June 2006, P. 35. Accessed (27/8/2013) «http://www.securitehumaine.univ-cezanne.fr/fileadmin/IEHI/Documents/REVUE/2_jensen_fairlie.pdf».

2. United Nations, General assembly, Op. cit, Par. 62.

3. Ibid, Par. 63.

سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO) همچنین مجموعه‌ای از کنفرانس‌ها را به «ارتقای امنیت انسانی؛ به شکل چهارچوب‌های حقوقی اخلاقی، هنجاری و تربیتی» در سطح منطقه‌ای و زیرمنطق‌های برگزار کرده است. این کنفرانس‌ها و انتشارات همراه با آنها، بر ماهیت جهانی امنیت انسانی تأکید می‌کنند. نتیجه مشورت‌های منطقه‌ای در باره امنیت انسانی در آخرین انتشار صادر شده در سال ۲۰۰۸ با عنوان «امنیت انسانی؛ رویکردها و چالش‌ها» خلاصه شده است.^۱

بند یکم - تلاش‌های صندوق تنخواه ملل متحد برای امنیت انسانی در ارتقای امنیت

انسانی

در طول ده سال گذشته، صندوق تنخواه ملل متحد برای امنیت انسانی نقش بسیار مهمی ایفا کرده و در تخصیص بودجه و منابع به پروژه‌هایی دست داشته که به ارتقای مفهوم امنیت انسانی در نظام ملل متحد توجه داشته‌اند. در دسامبر ۲۰۰۹، صندوق تقریباً ۲۳۲ میلیون دلار به ۱۸۷ پروژه در سراسر جهان و به بیش از ۶۰ کشور اختصاص داد. این پروژه‌ها به موضوع‌های چندبخشی مربوط بود و اولویت را به مناطقی می‌داد که ناامنی در آنها بسیار بحرانی بود. از سال ۱۹۹۹، پروژه‌های انجام شده در آفریقا، بالاترین درصد بودجه را به خود اختصاص داده‌اند که معادل ۳۲/۳ درصد بوده است و به ترتیب اروپای شرقی و آسیای مرکزی ۲۹ درصد، آسیا و اقیانوسیه ۲۳/۳ درصد، امریکای لاتین و حوزه کارائیب ۷/۷ درصد، خاورمیانه و کشورهای عربی ۲/۹ درصد و پروژه‌های جهانی معادل ۴/۸ درصد بودجه را به خود اختصاص داده‌اند. این پروژه‌ها تحت حمایت صندوق تنخواه بودند.^۲

در منطقه ایتوری در جمهوری دموکراتیک کنگو، صندوق تنخواه پروژه‌ای را حمایت می‌کند که حاصل تلاش‌های ترکیبی، برنامه توسعه ملل متحد (UNDP)، فائو (FAO)، یونیسف (UNICEF)، کمیسیون عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR)، برنامه جهانی غذا (WFP)، مأموریت سازمان ملل متحد در جمهوری دموکراتیک کنگو (MONUC)، صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA)، سازمان بهداشت جهانی (WHO)، همراه با سازمان‌های ملی و غیردولتی بین‌المللی و همچنین دولت محلی بود. این پروژه با قرار دادن گروه‌های خود در مرکز بازیابی بعد از مخاصمات، تمام حوزه‌ها و طبقات ناامنی‌ها را در این نواحی مشخص می‌کند و بخصوص، پروژه درصدد تقویت امنیت عمومی است؛ بهبود وضعیت آموزش و سلامتی و همچنین حمایت از بازیابی اقتصادی و ارتقای فرهنگ همزیستی به صورت صلح‌آمیز بین گروه‌های متخاصم از جمله این مواردند. تأثیر ترکیبی این تلاش‌ها،

1. Ibid, Par. 64.

2. Ibid, Par. 65.

فرصت‌های قابل توجهی برای کاهش نابرابری، تقویت شبکه اجتماعی و بهبود ارتباط‌های اجتماعی دولت و همه آن چیزی را که برای تقویت صلحی مستحکم و انتقالی برای توسعه پایدار مورد نیاز است، میسر ساخته است.^۱

برای نسل‌ها، خشخاش منبع اصلی درآمد قسمت مسکونی تپه‌های شان در میانمار بوده است. اگرچه تلاش‌های اخیر برای از بین بردن مواد افیونی پیشرفت چشم‌گیری داشته است، با این حال با فقدان فرصت‌های درآمد جایگزین برای کشاورزان سابق خشخاش، درآمدها در این مناطق رو به کاهش گذاشته است. این امر باعث نگرانی‌هایی مبنی بر احتمال از سرگیری درگیری‌ها و اختلافات بین گروه‌های نژادی در این مناطق شده است. با مقرر کردن بودجه از طرف صندوق تنخواه ملل متحد برای امنیت انسانی، چندین سازمان ملل متحد (برنامه جهانی غذا، فائو، دفتر ملل متحد برای مواد مخدر و جرایم و صندوق جمعیت ملل متحد)، با همکاری سازمان‌های ملی و غیردولتی بین‌المللی، با همدیگر برای ارتقای سلامتی مورد نیاز، آموزش، تغذیه، ساخت‌وساز ساختمان‌های مورد نیاز برای کشاورزان سابق خشخاش و خانواده‌های فقیر آسیب‌پذیر در این مناطق تلاش می‌کنند. با بهبود وضع معیشت و تقویت امنیت غذایی، این پروژه جایگزین‌های محسوس‌تری برای جوامعی ارائه می‌دهد که با مشکلاتی برای خلاصی از وابستگی آنها به محصول خشخاش روبه‌رویند و شرایط از بین بردن محصول خشخاش را در میانمار تقویت می‌کند.^۲

مناطق از بلاروس، فدراسیون روسیه و اوکراین که بر اثر حادثه هسته‌ای چرنوبیل^۳ آلوده شده بودند، به علاوه جاهایی که اطراف محل آزمایش هسته‌ای در سیمپالاتینسک^۴ قزاقستان، با چالش‌های مربوط به ترس از تشعشع رادیو اکتیو، فقدان فرصت‌هایی برای درآمد و خدمات اجتماعی روبه‌رو هستند. پروژه‌های چندین آژانس حمایت شده از طرف صندوق تنخواه ملل متحد برای امنیت انسانی، پاسخی به مهم‌ترین نیاز امنیت انسانی برای جمعیت آلوده به مواد رادیواکتیو بود. پروژه سمپالاتینسک، برای

1. Ibid, Par. 66.

2. Ibid, Par. 67.

۳. در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۸۶، نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل که در کشور اوکراین قرار داشت و بخش مهمی از برق این کشور را تأمین می‌کرد، منفجر و در اثر آن مواد خطرناک حاوی اشیاءهای رادیواکتیو در منطقه‌ای پهناور منتشر شد. اتحاد جماهیر شوروی سابق ابتدا وقوع انفجار در این نیروگاه را تکذیب کرد، اما در پی آشکار شدن ابر هسته‌ای ناشی از نشت مواد رادیواکتیو از نیروگاه چرنوبیل، به انفجار این نیروگاه به علت نقص فنی اعتراف کرد و در نتیجه این نیروگاه را موقت تعطیل کرد. کشور اوکراین پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی موافقت کرد که با کمک مالی دولت‌های غربی برای توقف کامل فعالیت نیروگاه چرنوبیل تلاش کند. اگرچه این وعده‌ها به طور کامل تحقق نیافت، اما اوکراین در دسامبر ۲۰۰۰ نیروگاه را تعطیل کرد. تحقیقات دانشمندان نشان داد که انفجار ناشی از این نیروگاه حدود ۳ میلیون و ۹۰۰ هزار کیلومتر مربع را در اروپا آلوده کرده است و جان هزاران نفر را گرفت و در آینده نیز جان هزاران نفر دیگر را که بر اثر این انفجار سرطان گرفتند، خواهد گرفت. «به نقل از خبرگزاری فزس ۱۳۹۲/۶/۸».

4. Semipalatinsk

مثال روی بهبود استانداردهای زندگی از طریق تولید درآمد، دسترسی به اعتبار خرد و توانمندسازی جامعه تمرکز می‌کند. به علاوه، شبکه بین‌المللی تحقیق و اطلاعات چرنوبیل برای کمک به مناطق آلوده با بروز کردن اطلاعات دقیق و علمی ارائه می‌دهد در مورد اینکه چگونه در مناطقی که به دلیل این انفجار آلوده شده‌اند، باید به صورت ایمن زندگی کرد. به وسیله استفاده جنبه مردم‌نهادی و چندبخشی مفهوم امنیت انسانی این پروژه در تشویق و همکاری با سایر ارگان‌های دیگر، ارتقای اعتماد به نفس و پیشنهاد فرصت‌های پایدار برای امرار معاش موفق بوده است.^۱

بند دوم - تلاش‌های مجمع عمومی ملل متحد در ارتقای امنیت انسانی

با توجه به وظایف و اختیارات مجمع عمومی ملل متحد و بخصوص ماده ۱۳ منشور که مجمع عمومی را مأمور انجام مطالعات و صدور توصیه‌نامه‌هایی در ترویج همکاری‌های بین‌المللی در امور سیاسی و ایجاد زمینه مناسب برای توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، ترویج همکاری‌های بین‌المللی در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون هیچ تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب می‌کند. مجمع عمومی ملل متحد نیز در راستای وظایفی که منشور برای آن تعریف کرده به صدور دو قطعنامه در خصوص امنیت انسانی پرداخته است:

قطعنامه ۶۴/۲۹۱ نخستین قطعنامه‌ای است که مجمع عمومی در شصت و چهارمین جلسه خود در ۲۷ جولای ۲۰۱۰ راجع به امنیت انسانی صادر کرده است. هدف این قطعنامه بررسی پارگراف ۱۴۳ جلسه جهانی سران برای امنیت انسانی در سال ۲۰۰۵ بود. پارگراف ۱۴۳ جلسه سران راجع به امنیت انسانی اشعار می‌داشت: «ما بر زندگی مردم در آزادی و کرامت و رهایی از فقر و ناامیدی تأکید می‌کنیم. ما تصدیق می‌کنیم که تمام اشخاص، بخصوص مردم آسیب‌پذیر، حق رهایی از ترس و رهایی از نیاز، با فرصت‌های برابر برای بهره‌مند شدن از تمام حقوق‌شان و توسعه انسانی را به صورت کامل دارند. به این منظور، ما خودمان را برای بحث و تعریف مفهوم امنیت انسانی در مجمع عمومی متعهد می‌کنیم».^۲ در این قطعنامه، مجمع عمومی با تأکید بر احترام به اصول و اهداف منشور ملل متحد به اولین بحث رسمی درباره دیدگاه‌های گوناگون دولت‌ها اشاره دارد که درباره امنیت انسانی ارائه شده بود. این جلسه رسمی توسط رییس مجمع عمومی در ۲۰ و ۲۱ می ۲۰۱۰ سازماندهی شد. سپس مجمع عمومی با در نظر گرفتن تلاش‌های مداوم در خصوص تعریف امنیت انسانی و تصدیق ضرورت نیاز به این بحث‌ها برای رسیدن به یک توافق در باره مفهوم امنیت انسانی،

1. Ibid, Par. 68.

2. UNGA Doc, A/60/L, par.143.

از دبیرکل درخواست کرد که نظر دولت‌های عضو سازمان ملل را راجع به مفهوم امنیت انسانی خواستار شود و گزارش آن را به شصت‌وششمین جلسه مجمع عمومی ارائه کند.^۱ قطعنامه شماره ۶۶/۲۹۰^۲ مجمع عمومی دومین قطعنامه‌ای است که مجمع در شصت‌وششمین اجلاس خود در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۲ راجع به امنیت انسانی صادر کرد. مجمع در این قطعنامه نیز اشاره به احترام به اصول و اهداف منشور ملل متحد دارد. همچنین مجمع در این قطعنامه، توسعه، حقوق بشر و صلح و امنیت را به عنوان سه ستون ملل متحد تصدیق می‌کند که ارتباط متقابل با هم دارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند. در بند ۱، مجمع از تلاش‌های دبیرکل در ارائه گزارش درباره مفهوم امنیت انسانی قدردانی می‌کند و در بند ۲ نیز به بحث رسمی درباره امنیت انسانی در ۴ ژوئن ۲۰۱۲ اشاره دارد.

بند ۳ این قطعنامه از مهم‌ترین قسمت‌های این قطعنامه است. در این بند، مجمع عمومی امنیت انسانی را رویکردی می‌داند که به دولت‌های عضو ملل متحد در تشخیص و تعیین چالش‌های عمده برای بقا، امرار معاش و کرامت مردم‌شان کمک می‌کنند و در ادامه، مجمع به تبیین مفهوم امنیت انسانی و مصادیق آن می‌پردازد و امنیت انسانی را شامل موارد زیر توصیف می‌کند:

حق مردم برای زندگی در آزادی و کرامت و رهایی از فقر و ناامیدی. تمام اشخاص، بخصوص مردم آسیب‌پذیر حق رهایی از ترس و رهایی از نیاز، با فرصت‌های برابر برای بهره‌مند شدن از تمام حقوق‌شان و توسعه انسانی را دارند.

امنیت انسانی به واکنش‌های مردم محوری، جامع، دارای بافت خاص و متمایل به بازدارندگی برای تقویت حمایت و توانمندسازی مردم و جوامع نیازمند است.

امنیت انسانی ارتباط متقابل بین صلح، توسعه و حقوق بشر و برابری حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به رسمیت می‌شناسد. مفهوم امنیت انسانی متمایز از مسؤلیت حمایت و اجرای آن است.

امنیت انسانی در بردارنده تهدید و استفاده از زور و ابزارهای قاهرانه نیست. امنیت انسانی در پی جایگزینی برای امنیت دولت نیست.

امنیت انسانی بر مالکیت ملی بنیان نهاده شده است. به دلیل اینکه شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای امنیت انسانی به طور قابل توجهی در داخل و خارج از مرزهای کشورها و در زمان‌های متفاوتی تغییر می‌کند. امنیت انسانی راهکارهای ملی را تقویت می‌کند که با واقعیت‌های محلی متناسب‌اند.

1. UNGA Doc, A/Res/64/291, 64th session, 27 July 2010.

2. UNGA Doc, A/Res/66/290, 66th session, 22 October 2012.

دولت‌ها، نقش و مسؤلیت اولیه در تضمین بقا، امرار معاش و کرامت شهروندان خود را دارند. نقش جوامع بین‌المللی برای تکمیل و ارائه حمایت لازم به دولت‌ها بر طبق درخواست‌شان از این جوامع است، بنابراین تقویت ظرفیت دولت‌ها برای واکنش به تهدیدهای جاری و آینده است. امنیت انسانی به همکاری و شرکت بین دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و جوامع مدنی نیازمند است.

امنیت انسانی باید براساس احترام به اصول و اهداف مندرج در منشور شامل احترام کامل به حاکمیت کشورها و تمامیت ارضی و عدم دخالت در موضوع‌هایی اجرا شود که در صلاحیت داخلی دولت‌هاست. امنیت انسانی در بردارنده تعهدات اضافی برای دولت‌ها نخواهد بود.

در بند ۴، مجمع با تصدیق اینکه توسعه، حقوق بشر و صلح و امنیت، سه ستون ملل متحد هستند که ارتباط متقابل با هم دارند و یکدیگر را تقویت می‌کنند، دستیابی به توسعه را هدف اصلی معرفی می‌کند و ارتقای امنیت انسانی باید به تشخیص توسعه پایدار و همچنین اهداف توسعه کمک کند. در بند ۵، مجمع دولت‌های عضو ملل متحد را به همکاری با صندوق تنخواه ملل متحد برای امنیت انسانی دعوت می‌کند. در بند ۶ تأکید می‌کند که پذیرش پروژه‌های صندوق تنخواه در کشورهای مورد نیاز باید با رضایت آن دولت‌ها انجام شود. بند ۷ قطعنامه اظهار می‌دارد که بحث راجع به امنیت انسانی مطابق با مفاد این قطعنامه ادامه پیدا کند و سرانجام در بند ۸ این قطعنامه مجمع عمومی از دبیرکل تقاضا می‌کند که گزارش خود را در خصوص اجرای قطعنامه حاضر در شصت‌وهشتمین جلسه خود ارائه دهد. آنچه که درباره ارتقای امنیت انسانی بحث شد نشان می‌دهد که هر چند این واژه به تازگی وارد ادبیات حقوقی جهان شده است، با وجود این دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی رغبت زیادی برای تثبیت این مفهوم در عرصه ملی و بین‌المللی دارند. بی‌شک ارتقای مفهوم امنیت انسانی توسعه، امنیت و صلحی پایدار را در پی خواهد داشت و همچنین موجبی می‌شود که این مفهوم، جهانی بودن خود را تثبیت کند و تبدیل به حقی شود که قبل از این آرمان جوامع بشری بوده است.

نتیجه‌گیری

بحث از امنیت انسانی و مفهوم، آن نزدیک به دو دهه است که توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است. این مفهوم اولین بار در گزارش کمیسیون مستقل مسائل امنیتی خلع سلاح (کمیسیون پالمه) مطرح شد، از زمان ظهور این مفهوم در ادبیات حقوقی جهان، تلاش بسیاری شده تا معنی دقیقی از این مفهوم ارائه شود. برنامه توسعه ملل متحد در

گزارش‌هایش در سال ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ امنیت انسانی را به دقت مورد بررسی قرار داد؛ ولی متأسفانه تعریفی از این مفهوم ارائه نداد. با این حال تأکید کرد که اشخاص باید در بطن امور بین‌المللی قرار بگیرند و همچنین برای امنیت انسانی هفت مؤلفه ارائه داد: امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست‌محیطی، امنیت شخصی، امنیت سیاسی و امنیت اجتماعی. بعد از این گزارش، تلاش‌ها در جهت تبیین این مفهوم همچنان ادامه داشت تا اینکه در سال ۲۰۰۳ کمیسیون امنیت انسانی به تعریف این مفهوم پرداخت و آن را شامل حمایت از هسته حیاتی تمام انسان‌ها به صورتی که آزادی‌ها و شکوفایی‌های انسان را ارتقا دهد و همچنین امنیت انسانی را به حمایت از آزادی‌های اساسی تعریف کرد. همان‌طور که گفته شد گزارش توسعه برنامه ملل متحد به‌رغم اینکه نتوانست از امنیت انسانی تعریفی ارائه دهد، ولی با مؤلفه‌هایی که برای آن برشمرد، به دو جزء مهم آن اشاره کرد: رهایی از نیاز و رهایی از خطر. گزارش توسعه ملل متحد با برشمردن مؤلفه‌ها و اجزای امنیت انسانی، مفهوم موسعی را برای آن قائل شد. همین عامل باعث شد که کشور کانادا به این گزارش انتقاد نمود و اظهار داشت که گزارش به حدی به سایر عواملی غیر از مخاصمات مسلحانه توجه دارد که به کلی خطر ناشی از جنگ و مخاصمات را که در دنیای امروزی از عواملی اند که امنیت انسانی را به خطر می‌اندازند، غفلت ورزیده است. در نقطه مقابل، کشور ژاپن موافق تفسیر موسع امنیت انسانی بود و معتقد بود که اهمیت رهایی از نیاز کمتر از رهایی از خطر نیست و این رهایی از نیاز است که به صورت واقعی امنیت انسانی را به خطر می‌اندازد نه رهایی از خطر.

گاهی اعتقاد بر این بود که آنچه ما اکنون به عنوان امنیت انسانی می‌شناسیم همان ترکیبی از نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر است. پس چه لزومی دارد که از واژه امنیت انسانی استفاده شود، ولی با روشن شدن مفهوم امنیت انسانی و تفاسیر موسعی که از آن شد و همچنین بر شمردن مصداق‌هایی برای این مفهوم نظیر، بیماری‌های همه‌گیر مانند ایدز، آنفلوآنزای مرغی و سارس و غیره، تغییرات آب‌وهوایی و فاجعه‌های طبیعی مشخص شد که دامنه موضوع‌ها و مسائلی که امنیت انسانی مورد بررسی قرار می‌دهد بسیار وسیع‌تر از حقوق بشر است و نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که حقوق بشر بخشی از حوزه مطالعات امنیت انسانی نه خود امنیت انسانی.

بعد از تبیین مفهوم امنیت انسانی و حوزه عملکردی آن تلاش‌هایی در سطح ملی، منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای و همچنین در سطح سازمان ملل برای ارتقای این مفهوم انجام گرفت. دولت‌های مغولستان، اکوادور و تایلند در سطح ملی، تلاش‌هایی برای ارتقای این مفهوم صورت دادند. در سطح منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای هم تلاش‌هایی برای ارتقای امنیت

انسانی صورت گرفت؛ از جمله این تلاش‌ها می‌توان به انعکاس واژه امنیت انسانی در قانون اساسی آفریقا و پیمان عدم تجاوز و دفاع مشترک در این قاره، در قاره آسیا لزوم توجه به امنیت انسانی در بیانیه مشترک آ.سه.آ.ن معروف به چشم‌انداز ۲۰۲۰ آسیا، انعکاس واژه امنیت انسانی در اعلامیه امنیت سازمان‌های امریکایی و تشکیل و تأسیس سازمان‌هایی درباره امنیت انسانی در اروپا اشاره کرد. ارتقای امنیت انسانی بیش از هر اقدام دیگر مدیون تلاش‌های سازمان ملل متحد است. از زمان اولین گزارش UNDP درباره امنیت انسانی، تقریباً نزدیک به بیست گزارش تاکنون منتشر شده است. سازمان یونسکو با برگزاری کنفرانس‌هایی درباره امنیت انسانی در سراسر جهان و صندوق تنخواه ملل متحد برای امنیت انسانی با اختصاص بودجه و همچنین اجرای پروژه‌ها در مناطقی که امنیت انسانی در خطر است و همچنین مجمع عمومی با صدور قطعنامه‌هایی در مورد امنیت انسانی، نقش مهمی در ارتقای امنیت انسانی داشته‌اند.

با توجه به اینکه امنیت انسانی دغدغه‌ای است جهانی و تهدید آن در یک نقطه از جهان سایر نقاط جهان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. مفاهیمی همچون امنیت انسانی که هدف آن‌ها حمایت از هسته حیاتی انسان‌هاست، نیازمند توجه هر چه بیشتر جامعه جهانی به این مفهوم است و باید در تثبیت و ارتقای این مفهوم تلاشی دوچندان شود. با توجه به تازگی این مفهوم، تلاش‌هایی که در ارتقا آن انجام شده است، درخور ستایش است. شاید مهم‌ترین اقدامی که امنیت انسانی به آن نیازمند است، برپایی یک کنفرانس بین‌المللی برای انعقاد یک کنوانسیون یا سندی بین‌المللی برای تشریح این مفهوم و الزامات حقوقی آن است.

منابع فارسی

۱. تاموشات، کریستیان. حقوق بشر. ترجمه حسین شریفی طراز کوهی. تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۲. تیگرش‌تروم، باربارا فن. امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل. ترجمه اردشیر امیرارجمند. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۹.
۳. دولت‌آبادی، عباس جعفری. «از امنیت ملی تا امنیت انسانی». حقوق ۴ (۱۳۸۹)، ۳۷.
۴. قاسمی. «نسبت امنیت انسانی و توسعه پایدار». فصلنامه مطالعات راهبردی ۳ (۱۳۸۷): ۵۲۸.
۵. کر، پائولین «امنیت انسانی». ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، فصلنامه مطالعات راهبردی ۳ (۱۳۸۷): ۶۰۲.

منابع لاتین

1. Bert Edstrom. Japan And The Challenge Of Human Security, “*The Founding of a New Policy 1995-2003*”, Singapore, Institute for Security and Development Policy, 2008, 12.
2. Glasius Marlies and Mary Kaldor, A Human Security Doctrine for Europe “*Project, Principle, Practicalities*”, London and New York, Routledge, 2005, 8.
3. Jensen, Fairlie. “*the practice of human security theory a case study of US and EU policy in the Middle east and north Africa*”, Human Security Journal, Issue 2, June 2006, 35.
4. Montesquieu, Charles. *the Spirit of Laws, Trans: Thomas Nugent, Canada, Batoche Books*, 2001, 21.
5. Remacle, Eric. “Approaches to Human Security: Japan, Canada and Europe In Comparative Perspective”, *Journal of Social Science*, No 66, September 2008, 7- 8.
6. Tadjbakhsh Shahrbanou and Anuradha M. Chenoy, Human Security “*Concepts and Implications*”, London and New York, Routledge, 2007, 125.
7. United Nations Development Programme , Human Development Report 1994, Oxford, *Oxford University Press*, 1994, 24.
8. United Nations Trust Fund for Human Security, Human Security Hand Book, “*Human Security in Theory and Practice*”, 2009, 9.

International Law and Human Security at the Third Millennium

Armin Talaat

Abstract

National Security (state), was appeared along with the emergence of independent states sovereignty means. The National Security was considered state as the only security and its main concern was to keep safe the state from external military threats. Lack of sufficient attention to threats which target human subjects were led to human security term into the legal literature. The term was manifested firstly in Independent Commission on Disarmament and security issues (Palme Commission). United Nations Development Program also studied legal and conceptual aspects of human security after a decade, and stated that the individuals must be at the heart of affairs. UNDP in report it's in 1994 pointed two major parts of human security: freedom from fear and freedom from want. Human security concern is recognition and elimination elements which threat individuals' rights every wherein the world. The common goal between human rights and human security has caused that some scholars suppose these two concepts are the same. However, it is noteworthy that the study areas of human security are broader than human rights. States and international organization have attempted in order to promote and development human security in the recent years. One of those efforts is United Nations and its specialized agencies acts.

Key words:

National Security, Human security, United Nations Development Program, Human rights

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XIII, No. 2

2014-2

- **Using of Human Shield as a War Crime**
Homayoon Habibi - Saleheh Ramezani
- **An analysis on interpretation of guardian council about Experimental Laws in three bills of "organization and procedure of Court of Administrative Justice", "customs affairs" and "commercial"**
Vahid Agah
- **Possibility or impossibility of rehabilitation of legal entities and its condition in trade law act of 1311 looking to trade reform bill**
Mehdi Sokhanvar - Seyed Ali Hoseyni
- **Monopoly in the light of Regulations and it's Enforcement in Iran Laws**
Heidar Piri - Mehdi Montazer - Azam Momeni Shio Yari
- **Succession of States in respect of State property and Debts**
Alireza Bagheri Abyaneh
- **International Law and Human Security at the Third Millennium**
Armin Talaat
- **The Role of Time Element In the interpretation of the International treaty**
Mozhgan Raminnia
- **Status of Corporate Governance in Iranian Law and the necessity of reviewing new trade bill**
Amin Jafari



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study